



آیا امیدی برای ما هم هست؟

تیتراژ امروز

رئیس سازمان حج و زیارت تشریح کرد

آخرین وضعیت مفقودان منا

تشخیص هویت قطعی
۲۸۵ جان باخته منا

«وطن امروز» بررسی می کند

بخشنامه پر حاشیه تحصیل کارمندان

رئیس کمیسیون حمایت از تولید ملی مجلس
خبر داد

تعطیلی نیمی از مراکز تولیدی

تغییرات جدید وام ۸۰ میلیونی مسکن

حجت الاسلام محمدی گلپایگانی:

آقا، آل سعود را رها نمی کنند

آزمودن دست ۱۲۱

عجب

حجت‌الاسلام والمسلمین سید سعید لوانسانی *

عُجَب از رذایل اخلاقی است که خطر بسیاری برای جامعه دارد و خود فرد را هم به هلاکت می‌رساند. حضرت باید توجه داشته باشیم هر رفتار و کرداری را که اسلام ناپسند می‌داند، در حقیقت هلاک‌کننده فرد است و برای جامعه هم خطرناک است، زیرا همگی ظواهرات نفس آدمی است که بنایش جدا کردن او از مقام انسانیت است.



عُجَب در معنای کلی به معنای از خود راضی بودن است. حضرت امام خمینی، عُجَب را چنین تعریف می‌فرمایند: «عجب... عبارت است از بزرگ‌شمردن عمل صالح و کثیر شمردن آن و مسرور شدن و ابتهاج نمودن به آن، و غنچ و دلال کردن است به واسطه آن، و خود را از حد تقصیر خارج دانستن است.» (چهل حدیث: ۶۱-۶۲) بنابراین نباید آن را با کبر و خودبزرگبینی که در آن فرد خود را نسبت به دیگران بزرگ می‌بیند اشتباه گرفت. عُجَب خشوناد بودن از خود است به دلیل کمال، عمل و امتیازی که در خود می‌بیند و این حالت موجب هلاکت آدمی است. امام صادق سلام‌الله‌علیه می‌فرماید: «مَنْ خَلَّه الْعُجْبُ هَلَكَ» هر کس عُجَب در او وارد شود، هلاک می‌شود. [الکافی: ۱۳۱/۲]

نکته مهم در عُجَب آن است که فرد برای خود امتیاز ویژه قائل است. حالا یا به دلیل علمی که دارد یا عبادتی که انجام می‌دهد یا مقام و مالی که خدا به او داده یا هنر و قلمی که دارد یا توان جسمی یا زیبایی که دارد یا حتی ویژگی و خصوصیت خانوادگی که حس می‌کند برای او امتیازی است یا روحیه‌ای که دارد، متعلقه می‌کند او حزب‌اللهی است یا به فلان حزب و گروه وابسته است یا در فلان نشریه یا خبرگزاری قلم می‌زند. خلاصه هر عملی می‌تواند حالت از خودراضی بودن را در فرد ایجاد کند بنابراین عُجَب تنها در عبادت نیست بلکه یکی از مصادیق بارز آن است که فرد برای خود نزد خدا حساسی ویژه باز می‌کند اما عُجَب در عبادت خلاصه نمی‌شود بلکه خودبزرگبینی و از خود راضی بودن نسبت به هر نعمت یا کمالی - واقعی یا توهمی - عُجَب نام دارد. متأسفانه در دوره ما اسباب آن بسیار زیاد شده است؛ شبکه‌های اجتماعی امثال اینستاگرام محلی برای بروز این صفت مذموم است. به این دلیل خطر آن از گذشته بیشتر احساس می‌شود، زیرا در این شبکه‌های مجازی که روز به روز هم بیشتر می‌شود.

آیا مجلس دولت را تنها می گذارد؟

مسئولیت مشترک ملی

مجتبی اصغری: قطعاً تصمیم‌سازی مجلس درباره سرانجام برجام و نحوه اجرای آن و ورود به مرحله پس‌پس‌پس جام، سخت و پراهمیت است. از طرفی جامعه در حوزه مسائل اقتصادی گرفتار مشکلاتی جدی است که به واسطه فضا سازی چند ساله جبهه رسانه‌های غربیگرا و ساداندیشی مشکوک برخی مسئولان نگاه‌ها را از داخل کشور به فضای بیرونی منحرف کرده و از طرف دیگر برجام بنا بر اقوال متحد متخصصان



درای نقاط ضعف غیر قابل چشم‌پوشی است. با این حال نمایندگان مجلس موظفند به مسئولیت تاریخی خود عمل کرده و فارغ از نظرات جناحی حاکم بر لایه‌های جانبی قدرت، تصمیمی ملی و تأمین‌کننده نیازهای حقیقی جامعه اتخاذ کنند. انتظارات از مجلس را می‌توان در قالب سیاهی‌های مهم تیتراژ کرد.

۱- در تیراژ الوسیله در بخش امر به معروف، در دفاع مسائل ۵، ۶، ۷، ۸، ۹؛ امام خمینی (ره) خطاب به متشرعین می‌گویند: «اگر روابط سیاسی بین دولت‌های اسلامی و دولت‌های بیگانه موجب استیلا یا اجبار بر کشور آنان یا بر نفوس یا اموال آنان شود و یا باعث اسارت سیاسی آنان گردد، برقرار کردن چنین روابط و مناسباتی بر زمامداران کشوری اسلامی حرام است و هر قراردادی در سایه اینگونه روابط منعقد سازند از درجه اعتبار ساقط است. بر مسلمانان واجب است زمامداران خود را ارشاد و در آخر ملزم به ترک رابطه نمایند هر چند با مقاومت‌های منفی باشد.»

ناظر عالی‌رتبه و حافظ رسمی منافع ملی در ایران بنا به حکم قانون، رهبر است. ایشان برجام را بدرغم تقدیر از تلاش تیم مذاکره‌کننده، متضمن مسیره‌های نفوذ شیطان بزرگ در جامعه اسلامی برمی‌شمارند و چاره‌اندیشی در این باره را مکرر یادآور شده‌اند. علاوه بر آن در تمام طول مذاکرات با ترسیم خطوط معین و معلوم، محدوده مذاکرات و معاهدات نهایی را به نحوی که تأمین‌کننده منافع ملی ایرانیان باشد، مشخص کرده‌اند پس بدیهی‌ترین خواسته قانونی از نمایندگان محترم به‌عنوان افرادی که بخشی از زمام امور را در دست دارند، این است که نظر نهایی صادره آنها خطوط قرمزی را که از سوی رهبر انقلاب در موضوع هسته‌ای ترسیم شده به‌عنوان شاخصه‌های تأمین سیاست‌های کلی نظام در صدر قرار داده و در تصمیم نهایی تأمین کنند که اگر غیر این باشد وظایف شرعی خود در قبال ملت و نظام اسلامی را به جان نیاوردند و در محضر الهی باید پاسخگو باشند.

۲- موارد مهمی در متن نهایی برجام که توسط تیم مذاکره‌کننده دولت به دست آمده از سرانجام روشنی برخوردار نیست. از جمله می‌توان به حوزه مهم «رفع تحریم‌ها» به‌عنوان هدف اولین و آخرین از مذاکرات اشاره کرد که در صدر لیست خواسته‌های مردم از دولت قرار دارد. علاوه بر اینکه اصل موضوع رفع تحریم‌ها و نحوه برداشته شدن آنها در متن برجام مورد تردید جدی قرار دارد، ضمانت مجلس نیز در این میان مهم ارزیابی می‌شود، چرا که به‌عنوان نهادی فرادستی به کنکاش و بررسی دقیق و تخصصی متن یادشده مبادرت ورزیده است بنابراین شایسته نیست پس از ساعت‌ها بحث و بررسی تخصصی موضوع سرانجام حکمی مستعمل بر «باید‌ها و نبایدها»، بدون ارائه چارچوبی عملیاتی و غیرنظری صادر شود و به قول معروف دولت در بجهوجه اجرای برجام بدون برنامه عملی راهگشای مجلس رها شود.

همچنین پس از کشف متناظر و متوازن نبودن تعهدات ایران در قبال امتیازات بخشیده شده به طرف مقابل، راهکارهایی از جانب کارشناسان به جامعه عرضه شد که بر اهمیت کارآمد نبودن طرح «رد یا قبول بلا شرط برجام» توسط مجلس می‌افزاید. نمایندگان محترم مجلس می‌توانند با درایت تاریخی، از گزینه‌هایی همچون الزام سیاست «تعلیق در برابر تعلیق» همراه با ورود عملیاتی به



سردار حاج حسین همدانی
از فرماندهان ارشد سپاه در سوریه به جمع یاران شهیدش پیوست

شهادت فرمانده مدافع حرم

دکتر حشمت‌الله قنبری، پژوهشگر تاریخ اسلام:

صلح حدیبیه «بده بستان» پیامبر (ص) با استکبار نبود

بهرغم اینکه حدیبیه تحت سلطنت مستکبران قریش بود اما مسلمانان بدون ملاحظه و مال‌اندیشی، از عزت اسلامی خود دفاع کردند و با اسیر کردن سستیزه‌جویان تبهکار و افزون‌خواه عرب آنها را دچار انفعال و درمناذگی کردند.

دکتر حشمت‌الله قنبری، استاد دانشگاه و پژوهشگر تاریخ اسلام در گفت‌وگو با فارس در پاسخ به این سوال که «یا صلح حدیبیه مذاکره یا بده بستان با حکم ظالمی همچون رومی‌سفیان بوده یا خیر» گفت: یکی از شخصیت‌های ممتاز کشور به تصریح و در اجتماع مردم، گفت‌وگوی حضرت سیدالشهدا با عمر بن سعد را مستند مذاکره دولت در مذاکره با آمریکا قرار داده بود و حضرت ایشان کمترین اشاره‌ای به صلح حدیبیه نفرموده بودند، تا لازم باشد ماجرای حدیبیه واکاوی شود، لذا بنده عدم اشاره ایشان به صلح حدیبیه را نشانه هوشمندی ایشان می‌دانستم، زیرا استناد به صلح حدیبیه، میزان مناسبی را در اختیار مخاطبان ایشان قرار می‌داد و ذهن خواص و عمووم مردم را در مقام مطالعه و پرسشگری قرار می‌داد، اگر مستند ایشان صلح حدیبیه قرار می‌گرفت خیلی خوب و مناسب بود.

قنبری ادامه داد: اولاً حضرت ولی‌امر دامت برکاته اصل مذاکره را نفی نکرده‌اند و پیوسته از تیم دولتی مذاکره‌کننده حمایت کرده‌اند، پس روش پیامبر در حدیبیه مورد نقض و نفی قرار نگرفته است. ثانیاً در جریان مذاکرات ایران با گروه ۵+۱، تدابیر پیامبر اکرم در ماجرای صلح حدیبیه می‌توانست راهگشا باشد که به هر علتی شیوه‌ها و روش‌های آن حضرت مورد عنایت قرار نگرفت. توجه کنید رسول عالیقدر اسلام با قصد و انگیزه مذاکره با استکبار قریش از مدینه خارج نشدند و دست خود را به طرف دشمن دراز نکردند. بنا به روایت مورخان و سیره‌نگاران مسلمان مانند ابن‌هشام، حلبی، طبری و دیگران، پیامبر اکرم پس از رؤیایی صادق و الهام غیبی که دلالت بر بشارت ورود آن حضرت و مسلمانان به مسجدالحرام و زیارت خانه خدا بود، به قصد عمره و با رعایت ضوابط و آداب عمره و بدون تجهیزاتی نظامی راهی مکه شدند. این استاد دانشگاه تأکید کرد: خداوند متعال نصرت و پیروزی اسلام را خود صیانت فرموده بود: «لَقَدْ صَدَقَ اللهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِِنْ شَاءَ اللهُ آمِينَ»

یادداشت امروز

همدانی، شهید مبارزه با نفوذ آمریکا

سیدعابدین نورالدینی

وقتی گفته می‌شود آمریکایی‌ها برجام را به عنوان درپچه‌ای برای نفوذ در ایران می‌نگرند؛ در واقع یک معنای مهم آن، وجود و آمادگی یک مجموعه داخلی برای میزبانی از آمریکاست. مقابله با نفوذ تنها به معنای انسداد مجاری از بیرون به درون نیست بلکه شاید بتوان گفت مهم‌ترین دغدغه فعلی، چگونگی مدیریت و مهار مجاری‌ای باشد که از درون به بیرون شرایط نفوذ را فراهم می‌کند. نفوذ یک معادله خطی نیست، بلکه یک معادله چندوجهی است. همانگونه که وندی شرم توافقی را مشروط به چینش هماهنگ مکعب روبیک می‌دانست؛ ماجرای نفوذ نیز دقیقاً وجهی از همین مکعب است. بنابراین برای جلوگیری از نفوذ باید تمام اجزای موضوع، مدیریت شود. تلاش آمریکا برای نفوذ در ایران موضوع جدیدی نیست اما آنچه اکنون نفوذ آمریکا در ایران را حائز اهمیت کرده، اعتماد و اراده آمریکایی‌ها تصور می‌کنند پس از سال‌ها، فرمول مدیریت بخش‌هایی از سطوح تصمیم‌گیری در ایران را به دست آورده‌اند. آنها همانگونه که بارها گفته‌اند، تکنشاهای اقتصادی را به‌عنوان بستر معادلات جدید سیاسی در ایران می‌دانند.

بگذارد واقع‌بین باشیم؛ با توجه به واقعیاتی که در ایران امروز مشاهده می‌شود شاید عبارت «حضور» واقعی‌تر از «نفوذ» باشد. قطعنامه ۲۲۳۱ اگرچه به‌عنوان یکی از اسناد توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ شناخته می‌شود اما مکتبیس ماشه در این قطعنامه در برآوردهای سیاسی، به‌عنوان اهرم نفوذ و متضمن حضور تعریف می‌شود. قطعنامه ۲۲۳۱ صراحتاً این اجازه را به آمریکا می‌دهد که بدون نیاز به سایر همپیمانان خود در ۵+۱ توافقی هسته‌ای را لغو کند! اما برای چه؟ و چرا تیم مذاکره‌کننده ایرانی که گفته می‌شود ساعت‌ها بر سر وی‌رگول‌های برجام چانه‌زنی کرده، مانع این حق استعماری نشده است؟

دلیل آمریکایی‌ها برای انجاندن مکتبیس ماشه متشنخ است. آنها اهدافی غیرهسته‌ای از برجام دارند و تضمین‌هایی گرفته‌اند که این اهداف در ایران محقق شود. توسط چه کسانی؟ همان کسانی که برجام آنها را در رقابت با سایر گروه‌های سیاسی تقویت می‌کنند! اما قطعاً اگر اهداف اصلی آمریکا محقق نشود؛ آنگاه هیات حاکمه آمریکا با یک دردسر بزرگ مواجه می‌شود، چرا که بدون آنکه اهداف آنها محقق شود آنها از فشار اقتصادی خود علیه ایران کاسته‌اند. مکتبیس ماشه، تدبیری برای چنین روزی است. اما چرا طرف ایرانی مانع این راه فرار نشد؟

در ایران هستند کسانی که مکتبیس ماشه یعنی همان قانون بازگشت‌پذیری تحریم‌ها را ضامن بقای خود در قدرت می‌دانند. آنها به دنبال دوقطبی کردن فضای جامعه در حوزه تحریم هستند. تثبیت این پیام در جامعه ایرانی که بود یا نبود تحریم‌ها وابسته به انتخاب آنها در انتخابات است؛ چندان دشوار نیست. به همین دلیل در عمل آنچه تعریف شده و پروژه نفوذ یا همان حضور را سامان داده، دارای اسم رمز «برجام» است. این مطالب به صورت کلی اشاره شد تا یک نمایی از موضوع نفوذ در حوزه سیاسی به صورت کلی تصویر شود. اما هدف اصلی این نوشته اظهارات اخیر آقای هاشمی رفسنجانی است. او در دیدار با رئیس پارلمان کراسوی از شکل‌گیری ائتلاف جدید ضد داعش در منطقه و حملات روسیه به مواضع تئوریت‌ها را به‌سوریه انتقاد کرد آقای هاشمی گفت در این بمباران‌ها مردم بیگناه کشته می‌شوند و باید به دنبال راه‌حل سیاسی بود!

این نخستین باری نیست که آقای هاشمی در موضوع سوریه، دقیقاً موضع خلاف مواضع رسمی جمهوری اسلامی ایران را اتخاذ می‌کند. آنچه او تحت عنوان راه‌حل سیاسی عنوان می‌کند، بر پایه نقش‌آرایی استوار است. کما اینکه او در همان اوایل بحران سوریه، به‌بشار اسد تاخت و او را همانند صدام دانست و سرنوشته صدام را برای او پیش‌بینی کرد!